

چاپ کنیم و شعرهای شما در مطبوعات ایران با نام های ژاله ، ژاله اصفهانی و ژاله

زنده رودی ، سلطانی و بدیج منتشر می شود کلام یک درست است ؟

- نخستین مجموعه شعرهایم " گلهای خود رو " سال ۱۳۲۴ در تهران با تخلص ژاله انتشار یافت

پیش از آن هم در دوران دانش آموزی شعرهایم با همان تخلص گهگاه در مطبوعات رساله های آن زمان

چاپ می شد . از آن پس مجموعه های " زنده رود " ( ۱۳۴۴ ) ، انتظار ( ۱۳۴۶ ) ، کشتی کبود

( ۱۳۵۶ ) ، نقش جهان ( ۱۳۶۰ ) به فارسی و ۱۵ مجموعه به ترجمه به زبان های دیگر با تخلص

ژاله ، انتشار یافته است .

امسال برگزیده اشعارم " اگر هزار قلم داشتم " در تهران با نام ژاله اصفهانی به چاپ رسید

لقب " اصفهانی " را نخستین بار مؤلف تذکره " شعرای معاصر اصفهان " سال ۱۳۳۴ ، وقتی که

در خارج بودم ، به من داد ، چون اصفهان زادگاه من است . پس از آن *علاوه بر این مجموعه در نشر نگاه و نشر نگاه ایران*

" سلطانی " نام فامیل پدری من و بدیج نشانی همسر من می باشد . *سراچه اله + هنرهای نوین + در نظر فارسی*

در روزهای انقلاب ناشری در تهران کتاب " زنده رود " مرا تکثیر کرد و به فروش رساند و با اضافه یک

همزه روی ژاله لقب تازه ای که من بخشید ، شد م ژاله زنده رودی " عنوان زیبایی است . اما برای من دیگر

دیر است که آنرا بپذیرم .

لازم به یادآوری است که سال ها ئی که در خارج بودم و هم قلم تازه نفس عزیز با نام های

ژاله ، در مطبوعات کشورمان شعرها ئی با تخلص ژاله بدون ذکر نشانی انتشار داده اند که البته با در

نظر گرفتن اصول حقوقی و اخلاقی کار درستى نبود و بر حسب رعایت تقدم سنی بهتر می بود اگر این

تخلص را به من واگذار می کردند .

به هر حال خواهش می کنم ، شما مرا همینطور ژاله بنامید چون این منم و تخلص چهل ساله ام .

و در دریای شعر فارسی واقعا هم قطره ای بیش نیستم .

## ۲ - به نظر شما نقش شعر و وظیفه شاعر امروز ایران چیست ؟

من در این جا قصد ندارم گفته های پیشینیان را در مورد چگونگی ماهیت شعر تکرار کنم و وارد بحث

استتیک و هنر شناسی شویم . همین قدر از روی تجربه شخصی ام می خواهم بگویم که شعر شکل

ویژه ای است از زندگی . شعر و بطور کلی هنر از ژرفنای پدیده های حیات و از واقعیت های موجود

در اجتماع و در طبیعت سرچشمه و الهام می گیرد سپس با اندیشه و ادراک و احساس هنرمند آمیخته می شود

شود ، آن گاه پا به عرصه وجود می گذارد . بنابراین هنر و شعر که شاخه شاخص آنست ، باز آفریدن

زندگی است که از زیبایی و تأثیر بخشی ویژه ای برخوردار است . نقش شعر در اجتماع غیر قابل انکارا

می باشد . چون شعر زبان گویای مردم ، بیانگر دردها ، آرزوها و بیکار های آنهاست . شعر نیاز محنتی

جامعه و تشنگی درونی شاعر است که وظیفه سنگین و پر مسئولیتی را به عهده او می گذارد .

شاعر ، که از تله می نعمت های موجود در جامعه که حاصل رنج و کار ملیون ها مردم است ، استفاده

واقعا موظف است به آن مردم و به آن جامعه ، خدمت کند و با شعرش به آنها سودی برساند ، و اگر نه

موجودی من شود تفنن گر و طفیلی و سر بار .

ارزش و شخصیت هر انسانی بستگی دارد به ارزش و سودمندی کاری که انجام می دهد . کار شاعر -

شعر اوست که می تواند روشنگر و رهگشا ، آموزنده و رهاننده باشد ، یا اینکه یا س آور و خوت زا مرگ

اندیش و بن بست ساز . و شعر دارای چنین نیروی جادویی هست .

گفتگو و گفتار در تهران سال ۱۳۶۰

شاعر، چاووش عصر خود و پیک نسل خویش به نسل های آینده است و این مسئولیت بزرگی است  
 شک عر علا و بر همه مسئولیت های اجتماعی و هنری که به عهده دارد ، بنظر من موظف است  
 دائما در تزکیه و تربیت خویش بکوشد ، بطوریکه در جامعه ، نمونه یک انسان اندیشمند  
 و آگاه از دانش زمان بوده و شخصا بزرگوار و فروتن و بخصوص دارای پاکیزگی درونی و بیرونی  
 باشد تا مردم از معاشرت و مصاحبت او لذت ببرند و ~~و در این بگویند~~ بهره ای برگیرند .

شاعر و هنرمندی که پیشه خود را عاشقانه دوست می دارد و به فرهنگ و ادب کشور خویش  
 و به جامعه بشری احترام می گذارد ، از بسیاری از لذت های ارزان ، و از خود بینی و شهرت  
 پرستی چشم می پوشد . زیرا به گفته نیما یوشیج " هنر جانشین بسیاری از لذت ها است " .  
 و اما وظیفه شاعر و هنرمند امروز کشورمان این است که با تمامی نیرو و هستی خود در  
 مبارزات آزادی خواهی و استقلال طلبانه مردم به پا خاسته ما از نزدیک شرکت کنند و اگر احیانا  
 نمی تواند ، در پیشا پیش توده های ملیونی انقلابی گام بردارد ( که این وظیفه اوست )  
 دست کم از آنها عقب نماند . ببخشید اگر من به کرسی اندر نشستم . ابا چنین قصدی  
 ندارم . فقط یک لحظه با خودم حرف زدم که بگویم وظیفه ام چیست .

شاید کمتر دوره ای در سراسر تاریخ ادبیات کشورمان وجود داشته باشد که در مدت کوتاهی که  
 از پایان جنگ جهانی دوم می گذرد ، این همه مضمون و موضوع تازه ، این همه شکل و شیوه و سبک  
 گونه گون شعری پدید آمده باشد با همه جهات مثبت و منفی آن . علم الشعر فارسی کفروض  
 و قافیه و غیره بطوریکه می دانید دارای چنان قواعد و قوانین منظم و حساب شده ای است  
 که هزار و صد سال فرمانروای شعر ما بود و حقیقتا نا بجه ها و شاهکارها را به فرهنگ  
 جهان ارمغان داد . اما پس از انقلاب مسروطیت به تد ریج و درسیمای نیما یوشیج بطور  
 رینه ای آن قانون ها متزلزل شد و شکل های تازه ای برپا به آن پدید آمد که همان عروض آزاد  
 یا وزن های نیمائی است که روزگاری شعر نو نامیده می شد و امروز شعر را بیج ماست . شعری  
 که سلاح مبارزه شاعران زمان ماست .

بی انصافی است اگر در نظر نگیریم که در ۳۰ سال و نویسنده ۴۰ سال اخیر بخصوص در ۲۵ سال  
 آخر در چه شرایط دشوار و خفقان آوری ، شاعران ایران صرف نظر از مواضع سیاسی - اجتماعی  
 گونه گون و تما یز سبک و شیوه نویسنده گی آنها ، چگونه در سنگرهای پیکار رهائی بخش هم میهنان  
 خود شرکت کردند و همگام پیشروترین مبارزان وطن برخی به جوخه های ~~اعلامی~~ و چوبه های دار  
 رفتند ~~بعضی~~ و بعضی به زندان ها و تبعیدگاه ها ~~بسیار~~ و مهاجرت های اجباری دچار آمدند  
 کدام نویسنده و شاعر استینی را در ایران می شناسید که به یکی از این ~~بلا~~ بلاها  
 گرفتار نشده باشد ؟

اما خوشبختانه می بینیم که شعر کشور ما از پله های رشد و شکوفائی بالا رفته است  
 با در نظر گرفتن دو قطب متضاد در شعر یعنی ملك الشعرا بهار و نیما یوشیج ده شاعر نوپرداز  
 آثار ارزنده ای آفریده اند که برخی از آنها ( نزدیک به ۱۵ تن ) می توانند با بعض شعرهایشان  
 در پهلوی برجسته ترین شاعران امروز جهان بنشینند .





سرگت زمان ایرانی در مبارزات رأئی نجیب سال اس من از مهرورد ۱۳۲۰ و در زمان انقلاب به نظر

چگونه است ۲

سج - دوران پس از مهرورد ۱۳۲۰ در تاریخ ایران خود را می بیند بر تزار حوادث سیاسی و اجتماعی ایران

پروزی ادبگت اس بی در پی مبارک اس رأئی نجیب مردم گورمان. خود را می که نسل جوان و بیدار  
ایران نشسته و چشم انتظار یک دگرگونی بزرگ اجتماعی است و در راه آن تلاش می کند. <sup>کوتای</sup>  
۲۱ مرداد به دست استعمارگران خارجی و در رأی آنها امر با مسلم آمریکا آن تلاش را سرکوب می کند اما  
آتش <sup>بازار</sup> در زیر خاکستر میخانی روشن می ماند دگرگونی می آید تا در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ پس از <sup>ظهور</sup> پیروزی انقلاب  
انقلاب پرویز شد بدل می گردد.

نقش زنان ایران در تمامی مراحل نبر جان انقلاب

مشروطیت که ملاح به دست لوم از آزادی و استقلال مهن دفاع کرده اس آغاز مبارزات بعدی <sup>سخت</sup>  
که هفتاد سال سابقه تجربه به آنها آموخته است. <sup>بازار</sup> در زمان انقلاب <sup>در حقیقت</sup> در حقیقت  
البته این گفته را هم مستند است و به حقیقت آن می برده ام که زن در جابه سر مایه دارا  
دوبار یا از خود موجود است تمام قرار می گیرد. از لوم غول بول در نور سر مایه که موجودیتش بر مایه  
استوار است و در این مورد <sup>بازار</sup> با مرد برابر است. و از لوم دگر توسط خود آن مرد در خانه .

با سرگذشت در زمان زن را طم صدها سال از یاد نبرده ام. زن ایرانی که <sup>کتاب</sup> آداب و رسوم  
و سنت اس ملی و نده ادا فته آ و نفعه آرا با سر خود به قرزند آن این سرزنش از نسلی به نسل دیگر  
تحویل می داده و پیوند اس خجسته خانوادگی را با جان خود حفظ می کرده است. بنا سفارته در اجتماع  
همیشه در بلبه اس پائین تر از مرد قرار حلقه و با آن سابقه است <sup>بازار</sup> مجید لوبی بسیار چه به او  
قرنها تلقین کرده اند که "زنی، که بلبه گفت نیده نه" یا "مروقت دلوار حرف زد" در قرم  
حرف میزند " و یا " زن با حاد به خاتمه می رسد و با گفتن از آن خارج می شود"  
آیا با وجود هم آنها دگر حق اعتراض برای او باقی می ماند؟ باید بسیار دو سافت و از لوم دگر در کنار هر  
بید و میخس، از بید آد گران، اربابان، امر و شان جبار، <sup>بازار</sup> لوم دگر دیدیم که <sup>بازار</sup> سافت و  
فرمانش را دگر موقوفه کرد.

در روزگار آنگاه میخس

اما امروز آن فریاد در کعبه و میدان کشید روار غمگس می کند و زنی و زنان را  
به گزده می آورد. این <sup>بازار</sup> گوی که <sup>بازار</sup> آفتن که به سونا آسمان بلند است و این فریاد اس حاد جوانی و  
آزادی طلبی، امروزه زنان ایرانی <sup>بازار</sup> آفت که به <sup>بازار</sup> نردی دیگر نمی تواند آنها را به سلوک  
در سارت و ادار کند و آزادی و استقلال مهن شان را <sup>بازار</sup> نماید.

من به آینده زنان گورمان امیدوارم <sup>بازار</sup>